

## شهرها و شهریاران

### بقلم آقای کسروی تبریزی

بسیاری از مؤلفان اسلام ، از تازی و پارسی ، این سیره را داشته اند که ساختن و پدید آوردن هر شهری را به پادشاه باستانی منسوب سازند ، و برخی پادشاهان را مینویسند که شهرهای بسیاری پدید آورده اند . (۱)

مثلا از تاریخ نگاران ابو جعفر طبری و حمزه اصفهانی چون شهریاران باستان ایران را شمرده اند به کمتر کسی از ایشان پدید آوردن يك یا چند شهری را منسوب نساخته اند ؛ از جمله طهمورث دیو بند (پادشاه داستانی) بابل و کهندز مرو و شهرهای دیگر را ساخته ، جمشید تیسفون مدائن را بنیاد گذارده ، اردشیر بابکان ده شهر بیشتر از شهرهای بزرگ و بنام پدید آورده ، شاپور پسر اردشیر شهرهای شاپور و نیشاپور و جندی شاپور و فیروز شاپور و بلاش شاپور و شاپورخواست را ساخته است . (۲)

همچنان از جغرافی نگاران یاقوت حموی و حمد الله مستوفی و دیگران کمتر شهری از شهرهای ایران و عراق را ساخته و پدید آورده شهریار باستانی نوشته اند . مثلا مستوفی چون از خوزستان سخن میراند ساختن شوشتر را از هوشنگ پیشدادی ، اهواز و دزفول را از اردشیر بابکان ، جندی شاپور را از شاپور پسر اردشیر ، حویزه و عسکر مکرم را از شاپور ذوالاکناف ، رامهرمز را از هرمز پسر شاپور ، شوش را از مهالیل نواده آدم مینگارد . (۳)

(۱) گویا برخی مؤلفان یونان و روم نیز این سیره داشته اند زیرا استرابو نیز ساختن بعضی شهرها را پادشاهان منسوب میسازد .

(۲) سنی ملوک الارض والانبیاء چاپ کاپوانی صفحه ۳۴

(۳) مقاله سوم نزهت القلوب چاپ گیب ۱۰۹ - ۱۱۲

گوئی پیش این مؤلفان قاعدهٔ مسلمی بوده که هر شهری را شهر یاری پدید آورد و راه دیگری برای پیدایش شهرها نمی انگاشته اند ، با آنکه آئین عمومی و راه طبیعی برای پیدایش شهرها آنست که نخست دهکده ای پدید آید ، پس رفته رفته برشکوه و آبادی و برابنوهی مردمش افزوده تا سرانجام شهر چه یا شهری میگردد . چنانچه طریقهٔ ناپدید گشتن شهرها نیز آنست که کم کم از شکوه و آبادی اش کاسته دهبی یا دهکده میگردد سپس آن نیز از میان رفته جز نام نشانی از آن شهر باز نمی ماند .

بسیاری از شهرهای کنونی ایران پس از ظهور اسلام آباد گشته و تاریخ و داستان آنها در دست است و میتوان کیفیت پیدایش آنها را مقیاس و نمونهٔ پیدایش شهرهای باستانی گرفت و ما گواه را نام چند شهر میبریم : شهر مشهد در قرن دوم اسلام که خلیفهٔ هارون و امام علی بن موسی (ع) را در آنجا بساخت سپردند دهبی بود بنام « سنا باز » ، بتدریج بر آبادی خود افزوده و اکنون آبادترین شهر خراسان است . بار فروش مازندران نخست دهبی بنام « مامطیر » بود و در اوائل قرن دهم هجرت هنوز در شمار دیه ها بوده « بارفروشه ده » خوانده شدی و اکنون بزرگترین شهر مازندران و از حیث تجارت و ثروت شهر مهم ایران است . محمره خوزستان در اوائل پادشاهی قاجاریان دهکدهٔ کوچکی بود که از چندی پیش پدید آمده بود در زمان محمد شاه شیخ ناصر جمعیب آنجا را بندر آزادی ساخت و بوسیلهٔ آمد و شد کشتی ها بر آبادی محمره افزوده در شمار شهرها درآمد و اکنون مهمترین شهر خوزستان است . شهر باستان اهواز در قرنهای ششم و هفتم هجرت ویرانی یافته و جز دهکدهٔ کثیفی از آبادی آن باز نمانده بود تا در زمان ناصر الدین شاه کشتی رانی در کارون آزاد گشته اهواز نیز روی به آبادی گذاشت و چند سال نگذشت که باز شهری گشت و اکنون از شهرهای بزرگ خوزستان است .

همچنان طهران خودمان که امروز تکیه بر جای ها کماتان و شوش و استخر و تیسفون زده و پایتخت و شاه نشین کشور شاهنشاهی ایران است در قرنهای نخستین اسلام نامی از آن نتوان یافت و در قرنهای دیرتر دیهی یا شهرچه پیش نبوده و اکنون بهترین و بزرگترین شهر ایران است . بی گفتگوست که هیچیک از این شهر ها را پادشاهی نساخته و بخودی خود و بمرور زمان پدید آمده اند ؛ و همین یکی بهترین دلیل است بر اینکه شهر های باستان را نیز پادشاهان پدید نیاورده اند ، زیرا بگفته قطران « جهان بگردد لکن نگرددش احوال » بهیچ دلیلی نتوان گفت که طریقه پیدایش شهر ها در روزگاران باستان جز از آن بوده که در دورهای تاریخی است و در هیچ روزگاری پادشاهان شهر برای مردم نساختندی .



گذشته از اینها از نیستی شهری پدید آوردن برای پادشاهان توانا و توانگر نیز آسان نیست ، چه « شهر » تنها از گل و خشت و آهک و آجر پدید نمی آید که پادشاهی در گنجینه گشاده خانه ها ساخته و خیابانها انداخته بازور زر به یکبار شهری پدید آورد ، بلکه مردمی نیز میخواهد که زندگانی شهری توانند ، بازار و بازرگانان میخواهد ، پناه و ران و پشه و ران میخواهد ، باید دبه ها و روستاها در پیرامونش آباد باشند ، و کاروانها و مال التجاره ها از شهرهای دیگر بدانجا آیند . بی گفتگوست که اینهمه شرایط و اسباب را بیکبار فراهم ساختن کار بس دشوار ، بلکه گاهی ناممکن است . و آنکهی آنمردمی که پادشاه میخواهد در شهر نو بنیاد او نشیمن گیرند پیش از این در کجا بوده اند ؟ چرا از جای خود بیرون آمده اند ؟ مگر مردم را از شهری به شهری کوچاندن دلیل آبادی کشور است ؟ بعبارت دیگر اگر پادشاهی خواهد شهری از نیستی پدید آرد ناگزیر است که شهر دیگری را خراب و خالی گذارده مردمش

را بشهر نویناد خود کوچاند . آری گاهی ممکن است که پادشاهی برخاک دشمن دست یافته گروهی از مردم کشور خود را بد آنجا کوچانیده شهری برای ایشان سازد ، یا گروهی از مردم آنخک را بکشور خود آورده در شهری که خود بنیاد گذارد نشیمن دهد ، یا نقطه خوش و باصفائی را برای تختگاه خود برگزیده شهری پدید آورد . اینگونه اتفاقات در دورهای تاریخی و درقرنهای نزدیک هم روی داده ، چنانکه دوشهر کوفه و بصره را درعراق بامر خایفه دوم بنیاد گذارده گروهی از تازیان را که برای فتح ایران و عراق کوچیده بودند نشیمن دادند ؛ همچنان دوشهر بغداد و واسط را منصور خلیفه و حجاج والی عراق برای نشیمن و تختگاه خود برگزیده بنیاد گذاردند . در ایران هم سلطان محمد خربنده شهر سلطانیه را پدید آورده تختگاه خود ساخت .

توان منکر شد که در قرنهای باستان و در روزگار شهریاران هخامنشی و اشکانی و ساسانی هم اینگونه شهرها پدید آمده باشند ، ولی این اتفاقها بس نادر است و تنها در باره بخش کمی از شهرها میتوان احتمال داد . اعتراض ما بر مؤلفان اسلام از اینروست که بیشتر بلکه همگی شهرهای ایران و عراق را پدید آورده پادشاهان دانسته و از قواعد مسلمة پنداشته اند که هر شهری را باید شهریاری سازد ، و برخی پادشاهان بنیاد گذاردن ده شهر بیشتررا منسوب کرده اند . شکفت تر آنکه برخی مؤلفان فرنگی هم بنوشته های این مؤلفان قیمت داده بتقلید ایشان ساختن برخی شهرها را به پادشاهان منسوب میسازند .

گذشته از همه اینها برخی گفته های این مؤلفان دروغ صریح و برخلاف حقایق مکشوفه تاریخ میباشد و باندک غور و واریسی توان دانست که نیازموده و نیندیشیده سخن رانده و بیکرشته افسانه در کتابهای خود آورده اند . گواه و دلیل را ما در اینجا چند فقره از گفته های ایشان که برخلاف حقایق تاریخ است آورده مقاله خود را بیابان میرسانیم :